



International Conference on The School of Martyr Soleimani  
(ICSMS 2021)

Sardar Soleimani's strategies in resolving the crises in  
the West Asian region

Zeinab Asgharian Kari\*

**Abstract**

The West Asian region has always been the site of various conflicts and disputes; On the one hand, there are numerous security crises due to the importance of "regional geopolitics" and "gloeconomics" due to its abundant wealth and natural resources.

On the other hand, "geoculture" as the cradle of the Abrahamic religions and the existence of holy lands has given complex dimensions to the region and has attracted the attention of major supra-regional powers to this center. Accordingly, the problem is that the presence of foreign forces in the region, the division of the enemies and the existence of weak management in crisis control have complicated the regional situation in such a way that the created crises are not easily solved; Therefore, the discovery of effective strategies for resolving regional conflicts has been considered.

Because these strategies are important in the analysis and management of future conflicts, so the main question is what are the strategies of "Sardar Qassem Soleimani" as a successful and unique strategist and commander in resolving crises in the region? The assassination of Martyr Soleimani by the Americans in Iraq has complicated the situation and the crisis in the region. Knowing these successful strategies becomes doubly important. Using the model of Springs Crisis Theory, the present article explains the West Asian crisis and the roots of this crisis in five components and provides a five-component model based on the desired model of the Islamic Revolution. Strategies for resolving Sardar Soleimani's crisis in the West Asian region to achieve the desired model include: "rebuilding trans-regional alliances", "proxy wars against Israel", "forming multinational forces", "field management" and "democratizing the resistance". In this article, an attempt has been made to use the sources of Western think tanks, especially American ones, in explaining this model as confirmation.

**Keywords:** *Soleimani, Strategy, Crisis, West Asia*

\* Corresponding author: Master student of Regional Studies – Shahid Beheshti university- Tehran, Iran. z.mohajer1@chmail.ir.



## راهبردهای سردار سلیمانی برای حل بحران های منطقه‌ی غرب آسیا

زینب اصغریان کاری \*

### چکیده

منطقه غرب آسیا همواره موضع منازعات و درگیری ها و کشمکش های مختلف بوده است؛ از یک سو بحران های امنیتی متعدد ناشی از اهمیت «ژئوپلیتیک منطقه» و «ژئواکونومیک» ناشی از ثروتها و منابع طبیعی فراوان آن وجود دارد و از سوی دیگر «ژئوکالچر» به مثابه مهد ادیان ابراهیمی و وجود سرزمینهای مقدس ابعاد پیچیده ای را به منطقه داده است و باعث توجه قدرتهای بزرگ فرا منطقه ای به این کانون شده است؛ بر همین اساس مساله آن است که حضور نیروهای خارجی در منطقه، تفرقه افکنی دشمنان و وجود ضعف مدیریت در کنترل بحران شرایط منطقه ای را به گونه ای پیچیده نموده که بحرانهای ایجاد شده براحتمی قابل حل نمی باشد؛ لذا کشف راهبردهای موثر حل منازعات منطقه ای مورد توجه بوده است، چرا که این راهبردها در تحلیل و تدبیر منازعات آینده حائز اهمیت است، لذا سوال اصلی آن است که راهبردهای «سردار قاسم سلیمانی» به عنوان یک استراتژیست و فرمانده موفق و منحصر بفرد در حل بحران های منطقه چیست؟ باترور شهید سلیمانی تو سط امریکایی ها در عراق، شرایط و بحران منطقه، پیچیده تر شده است و شناخت این راهبردهای موفق اهمیت مضاعفی می یابد. مقاله حاضر با بهره گیری از الگوی نظریه بحران اسپریگنز، ضمن تبیین بحران غرب آسیا و ریشه های این بحران را در پنج مولفه ارائه نموده است و ناظر بر همین پنج ریشه بحران، الگوی پنج مولفه ای مبتنی بر الگوی مطلوب انقلاب اسلامی ارائه نموده است و در پایان ناظر بر ریشه های پنج گانه بحران و الگوی پنج گانه مطلوب استراتژی های پنجگانه شهید سلیمانی برای تحقق حل بحران های منطقه غرب آسیا ترسیم نموده است. راهبرد های حل بحران سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا جهت تحقق الگوی مطلوب عبارتست از: «باز سازی اتحادهای فرامنطقه ای»، «جنگ های نیابتی علیه اسرائیل»، «تشکیل نیروهای چندملیتی»، «مدیریت در میدان» و «مردمی سازی مقاومت». در این مقاله تلاش شده علاوه بر اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی بویژه تجربه شهید سلیمانی، از منابع اندیشکده های غربی به ویژه امریکایی نیز در تبیین این الگو به عنوان مویده استفاده گردد.

**کلیدواژه‌ها:** سلیمانی، راهبرد، بحران، غرب آسیا

\* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای - دانشگاه شهید بهشتی - تهران، ایران.  
z.mohajer\@chmail.ir.



## ۱- مقدمه

منطقه غرب آسیا همواره موضع منازعات و درگیری ها و کشمکش های مختلف بوده است؛ از یک سو بحران های امنیتی متعدد ناشی از اهمیت «ژئوپلیتیک منطقه» و «ژئواکونومیک» ناشی از ثروتها و منابع طبیعی فراوان آن وجود دارد و از سوی دیگر «ژئوکالچر» به مثابه مهد ادیان ابراهیمی و وجود سرزمینهای مقدس ابعاد پیچیده ای را به منطقه داده است و باعث توجه قدرتهای بزرگ فرا منطقه ای به این کانون شده است؛ بر همین اساس مساله آن است که حضور نیروهای خارجی در منطقه، تفرقه افکنی دشمنان و وجود ضعف مدیریت در کنترل بحران شرایط منطقه ای را به گونه ای پیچیده نموده که بحرانهای ایجاد شده براحتی قابل حل نمی باشند؛ لذا کشف راهبردهای موثر حل منازعات منطقه ای مورد توجه بوده است، چرا که این راهبردها در تحلیل و تدبیر منازعات آینده حائز اهمیت است، لذا سوال اصلی آن است که راهبردهای «سردار قاسم سلیمانی» به عنوان یک استراتژیست و فرمانده موفق و منحصر بفرد در حل بحران های منطقه چیست؟ باترور شهید سلیمانی توسط امریکایی ها در عراق، شرایط و بحران منطقه را پیچیده تر نموده است و شناخت این راهبردهای موفق اهمیت مضاعفی می یابد.

مهمترین اهداف این پژوهش عبارتند از:

۱. شناخت و تبیین علل بحران های موجود در منطقه غرب آسیا
۲. شناخت الگوی مطلوب انقلاب اسلامی در حل بحران های غرب آسیا
۳. تبیین راهبردهای منحصر بفرد سردار سلیمانی در حل بحران های منطقه
۴. کمک به حل بحران های آینده منطقه غرب آسیا

برای درک ابعاد مختلف استراتژی های شهید سلیمانی، علاوه بر فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) مویداتی نیز از آثار متفکران غربی ارائه گردیده است، اندیشکده های آمریکایی از جمله: «اندیشکده شورای آتلانتیک»<sup>۱</sup>، مجله فارین پالیسی<sup>۲</sup>، موسسه تحقیقاتی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک<sup>۳</sup>، مرکز ملی مبارزه با تروریسم<sup>۴</sup>، نهاد بروکینگز<sup>۵</sup>، رادیو فردا<sup>۶</sup> مورد بررسی قرار گرفته و به نظرات اندیشکده های انگلیسی موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> Atlantic Council

<sup>۲</sup> Foreign Policy

<sup>۳</sup> Washington Institute

<sup>۴</sup> National Counterterrorism Center

<sup>۵</sup> Brookings Institution

<sup>۶</sup> Radio Farda

<sup>۷</sup> IISS (The International Institute for Strategic Studies)

گاردین ایندپندنت و بی بی سی توجه شده است.

## ۲- روش‌شناسی

رهیافت متدولوژیک این مقاله رهیافتی مبتنی بر آراء اسپریگنزی باشد و از مفاهیمی بهره جسته ایم که چهار مرحله « شناسایی بحران ، تحلیل و جستجو پیرامون بحران ، بازسازی آرمانی جامعه سیاسی و بالاخره ارائه درمان» را نشان دهد.

در این مقاله سعی شده است از رویکرد تحلیل - توصیفی و با توجه به نظریه بحران بهره گیرد. عبارت دیگر روش این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و ابزار آن گردآوری داده ها و اطلاعات به شیوه کتابخانه ای است. سوال اصلی آن است که راهبردهای «سردار قاسم سلیمانی» به عنوان یک استراتژیست و فرمانده موفق و منحصر بفرد در حل بحران های منطقه چیست؟ فرضیه نیز چنین است: راهبرد های حل بحران سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا عبارتند از: «بازسازی اتحادهای فرامنطقه ای»، «جنگ های نیابتی علیه اسرائیل»، «تشکیل نیروهای چندملیتی»، «مدیریت در میدان» و «مردمی سازی مقاومت».

## ۳- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱ نظریه بحران اسپریگنز

توماس آرتور اسپریگنز استاد علوم سیاسی و دارای کتاب ها و مقاله های متعددی است که حتی چارچوب نظری بسیاری از مقالات علمی دیگر واقع شده است. اسپریگنز در کتاب خود با عنوان «روش فهم نظریه های سیاسی»<sup>۳</sup> روشی را ارائه نموده که ابزار تفکر منطقی درباره ی مسائل سیاسی و اندیشمندان سیاسی را فراهم کرده است کتاب اسپریگنز در راستای فهم نظریه های سیاسی منتشر شده و در آن اذعان شده که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، در این کتاب چهارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می شود که به مدد آن می توان منطق درونی هر نوع نظریه پردازی را کشف نمود. اگر تفکیک روش اندیشیدن و روش فهم اندیشه سیاسی را مفروض بدانیم، بدون شک نظریه بحران توماس اسپریگنز را می توان در دسته دوم قرار داد<sup>۴</sup>

از دید وی هدف نهایی روش سیاسی فراهم ساختن بینشی همه جانبه با رویکردی انتقادی به

۱) The Independent

۲) British Broadcasting Corporation(BBC)

۳) Understanding political theory

۴) توماس اسپریگنز فهم نظریه سیاسی (فرهنگ رجایی تهران آگاه ۱۳۷۰ ص ۱۲)



منظور فهم و درک پذیر شدن آن و رفع نارسایی ها و کاستی های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه های بی نظمی و غلبه بر آنهاست.

گفتار دوم کتاب در واقع بحث از بحران و بی نظمی است. بحرانی که اسباب های بزرگی بر سر انسان می آورد. معناداری زندگی مؤلفه دومی است که در کتاب فهم نظریه های سیاسی محوریت دارد. زندگی سیاسی به معنای نقش اداری و جایگاهی که کسی در قدرت و ساختارهای رسمی بر عهده می گیرد، نیست. زندگی سیاسی از حیث مفهومی ترکیبی جدایی ناپذیر است و بر سرشت سیاسی زندگی اجتماعی بشر تاکید دارد. اشاره زندگی سیاسی به محتوایی است که زندگی سیاسی می طلبد که سیاست ها در مسیر سهولت گری نهادهایی را ایجاد کند. در این گفتار نظریه بحران مطرح شده است.

اسپریگنز معتقد است نظریه بحران چهار مرحله دارد و هر بخش از آن بر بخشی دیگر استوار

است:

در مرحله اول نظریه پرداز از بحرانهای سیاسی که در منطقه وجود دارد آغاز می کند، بنابراین اولین مسئله مشاهده و شناسایی بحران و مشکل است. او ادعا می کند اندیشمندان سیاسی هر دوران به شدت واقعه گرا بوده و اندیشه های سیاسی آنها پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنهاست بر این اساس، نظریه ها صرفاً تفریح آکادمیک نبوده، بلکه عملاً به موضوع های عملی و روزمره سیاست ارتباط داشته و تلاش آنها بر این است که تصویری جامع و درکی نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند.

مشاهده بی نظمی عقل آدمی را به غلیان و حرکت انداخته و وی را به سمت و سوی مرحله دوم که تشخیص علل است سوق می دهد.

نظریه پرداز در مرحله دوم به ایفای نقش تحلیل گر می پردازد؛ چرا که تا وقتی علل مشکل مشخص نشوند درک واقعی آن ممکن نیست و از سوی دیگر براحته نمی توان پیشنهادات مناسب و راهگشا و کارسازی را به منظور درمان و حل مشکل ارائه دهد و انفکاک مکاتب از اینجا حاصل

می شود. گام دوم: جست و جوی دلیل بی نظمی، پس از مشاهده بحران بی نظمی بوده است. نظریه پرداز بعد از شناسایی مشکل نمی تواند آرام بگیرد، بلکه باید ریشه مشکل را یافته و به

مطالعه دقیق در علل بی نظمی و کارکرد نادرست اوضاع سیاسی مشاهده شده پردازد که این مرحله بسیار دشوار است.

الگوی فکری بعضی نظریه پردازان سیاسی، تلاشی برای رسیدن به این هدف است.



گام سوم: نوبت به طرح این پرسش می‌رسد که اگر این وضعیت، نامطلوب و بی‌نظم است؛ پس وضعیت مطلوب و نظم آرمانی کدام است. نظریه پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی پرداخته، آرمان شهری را در ذهن مجسم سازد و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها و امکانات می‌آراید. معیارهایی که نظریه پرداز برای ترسیم جامعه آرمانی می‌سازد هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز هست. نظم سیاسی بازسازی شده ترکیبی از نوآوری و اکتشافات است. هدف این مرحله ایجاد ارتباط بین شخص و محیط سیاسی است. و موفقیت آن طرح بازسازی شده یعنی قابلیت دوام، درجه عقلایی و حقیقی بودن بستگی به نتیجه‌ای دارد که نظریه پرداز از مرحله تشخیص علت گرفته است لذا، نظریه پرداز در این مرحله معمولاً تخیلات خود را به خدمت گرفته و می‌کوشد تا تصویر یک نظام سیاسی را که در زمان او وجود ندارد، به صورت آرمانی ترسیم نماید.

گام چهارم: برای غلبه بر بحران راه حلی ارائه می‌شود، نظریه پرداز در این مرحله از هست‌ها گذر کرده و به گام چهارم یعنی باید‌ها می‌رسد، طرح موضوع آرمانی شهر در این مرحله است. در گام آخر نظریه پرداز با توجه به اقدامات انجام شده به درمان می‌پردازد. از آنجا که نظریه بحران در واقع پاسخ به بحران زمانه است در نتیجه یک نظریه زمینه‌گرا محسوب می‌شود. در روش تحلیل منطقی به چارچوب فلسفی و زمینه‌ای او اکتفا می‌شود در واقع به اندیشه او در رابطه با زمان توجه نمی‌شود.

بدین ترتیب نظریه پرداز باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خود تجسم کرده و معیاری از آن به دست دهد؛ به این ترتیب نظریات سیاسی در واقع تصویرهایی نمادین از جامعه بعد از بازسازی شدن ارائه می‌دهد (اسپریگنز)

در مرحله آخر اسپریگنز راه درمان را با طرح آنچه «شکاف باید» باشد و آنچه «هست» پی می‌گیرد. او معتقد است به دلیل توجه انسانها به حقایق حتی ساده‌ترین عبارات در این باره رگه‌هایی از تجویز را در خود نهفته دارد. بدین قرار نظریات سیاسی، با بینش جامع خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی را دربردارند و شامل ارزیابی قابلیت‌ها، امکانات و ضرورت‌ها و حقایق هستند. این مرحله از نظریه پردازی - تصویر جامعه‌احیاء شده - به «جسم شناور» می‌ماند و ظاهراً باید قبل از ارائه راه حل بیاید، ولی ممکن است قبل یا بعد از تشخیص علل بی‌نظمی ارائه شود؛ حتی گاهی ممکن است قبل از مشاهده بی‌نظمی باشد.

در بیشتر موارد، تصویر جامعه‌احیاء شده احتمالاً، به شیوه دیالکتیکی، با مشاهده بی‌نظمی و تشخیص علل آن مرحله به مرحله ظاهر می‌شود.<sup>۱</sup>

۱ سید صادق حقیقت سید حامد حجازی علوم سیاسی باقرالعلوم بهار ۱۳۸۹ شماره ۴۹، نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه



در ارتباط با پژوهش های انجام شده پیرامون این موضوع باید اذعان داشت که در جستجوهای انجام شده مقاله مشابهی به زبان فارسی یافت نشد اما برخی مقالات و کتب انگلیسی چاپ شده است:

Iran's Foreign and Defense Policies. Updated April 29,  
2020. Congressional Research

که این مقاله توسط مرکز پژوهشی کنگره ( اندیشکده پژوهشی کنگره) آمریکا چاپ

شده است. همچنین مقاله:

Iran's post-Soleimani strategy in Syria By Walid Al Nofal (January 14,  
2020)

به زبان انگلیسی و عربی منتشر شده است. شاید بتوان گفت موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک انگلیسی در کتاب خود تحت عنوان « شبکه های نفوذ ایران در خاورمیانه » که بصورت گزارشی ۲۱۷ صفحه ای است بیشترین تمرکز را روی این موضوع داشته و از ابعاد مختلف شبکه نفوذ استراتژیک سپاه قدس و سردار سلیمانی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است و معتقد است ایران توانسته است با سردار سلیمانی ، بازی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک منطقه را به سود خود رقم بزند.

به نظر می رسد مقاله « نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه ای » پیرامون سپاه قدس اثر روح الله قادری کنگاوری که با تاکید بر نظریات انتقادی و رهایی بخش نگارش یافته است تا حدودی به این مقاله شباهتهایی دارد اما نوع نگاه بصورت کلی بر سپاه قدس گسترده شده است و بررسی استراتژی های سردار سلیمانی بطور خاص بررسی نشده است.

همچنین مقاله « بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر» اثر افسانه سیفی ناجی ، محمدحسین جمشیدی و محسن اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

نوآوری این مقاله در این است که ضمن پردازش به موضوع بسیار مهم استراتژیک ، ابعاد مختلف راهبردهای حاج قاسم سلیمانی از منظر امام خمینی (ره) ، رهبر معظم انقلاب و غربی ها مورد کنکاش قرار دهد. هرچند که متأسفانه مقالات و کتب پرداخته شده به این مهم اندک بود اما تلاش شده است که راهبردهای شهید بعنوان الگوی آرمانی منطبق با نظریه بحران اسپریگنز بررسی شود.



## ۴- یافته های پژوهش

## ۴-۱- سردار قاسم سلیمانی؛ «یک استراتژیست محاسبه گر»

مقام معظم رهبری (مدظله) درباره شهید سلیمانی می فرماید: «شهید سلیمانی، بسیار فراتر از یک فرمانده و ژنرال نظامی و یا دیپلمات سیاسی بود، او دارای ابعاد گوناگون و منحصر بفردی بود که او را تبدیل به مهم ترین طراح راه حل های منازعات منطقه کرده بود؛ «این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر میرفت و ابا نداشت؛ هم با تدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود.»<sup>۱</sup> سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود. او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود. شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند. آرزوی طرفی دارای شجاعت و روحیه‌ی مقاومت بود؛ او مظهر شجاعت بود، مظهر مقاومت بود؛ این را همه مشاهده می‌کردند و میدیدند. از طرفی دارای درایت و تیزهوشی بود، خیلی تیزهوش بود؛ [در این مورد] خیلی نکات هست. این مسئله‌ی بروز یک جریانِ بظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدتها قبل پیش‌بینی کرد؛ که به من گفت. گفت [طبق] آن چیزی که من دارم میبینم در وضع دنیای اسلام -اسم آورد از بعضی از کشورها- یک جریانی دارد به وجود می‌آید؛ بعد از مدتی داعش به وجود آمد. آدم با درایتی بود، آدم باهوشی بود. در اداره‌ی اموری که با کشورها ارتباط داشت و او در آنها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار میکرد... قهرمان امت اسلامی است؛ چون شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود -شهادتش هم مکمل این معنا بود- اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد در واقع ایشان نرم‌افزار مقاومت را و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد، به ملت‌ها سرایت داد، در ملت‌ها رایج کرد؛ اینها خوب نقشهای خیلی مهم و بسیار حساسی است؛ لذا است که ایشان به معنای واقعی کلمه، یک شخصیت برجسته و یک چهره‌ی قهرمانی اسلامی است. شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد؛ اینها ادعا نیست، اینها چیزهایی است که اثبات شده است. در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، دلیلش اینکه رئیس‌جمهور آمریکا آمد گفت: ما هفت تریلیون دلار خرج کردیم در عراق و هیچ چیز گیرمان نیامد؛ [حتی] مجبور شد شب تاریک بیاید یک وقتی در یک پایگاه آمریکایی در عراق بنشیند و برود. این را همه‌ی دنیا قبول کردند که آمریکا

۱. مقام معظم رهبری ۹۸/۱۰/۱۸

۲. مقام معظم رهبری ۹۸/۱۰/۱۳



در عراق و سوریه - بخصوص در عراق- به مقاصد خودش نرسیده؛ چرا؟ قهرمان این کار سلیمانی بود. بنابراین در زمان حیات خودش اینها را شکست داد.

اندیشکده شورای آتلانتیک در تحلیل خود با در نظر داشتن جزئیات می نویسد: «قاسم سلیمانی که بیش از ۲۰ سال است فرماندهی سپاه قدس را بر عهده دارد در نزدیکی شهر کرمان در خانواده‌ای مذهبی متولد شد و این پیشینه مذهبی نقشی مهم در شکل‌گیری شخصیت وی به عنوان یک فرد مذهبی با اهداف عملی ایفا کرده است. گفته می‌شود پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، وی به طور غیرمستقیم برای بیرون راندن طالبان در افغانستان با نیروهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا همکاری کرده است.

سلیمانی کماکان استراتژیست ارشد اقدامات نظامی ایران در خارج از کشور از جمله برای مقابله با گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه است. همچنین بی‌بی‌سی در مستند خود با ارائه تصویری از یک قاسم سلیمانی جوان معتقد است: «هر وقت از مداخله [نظامی] ایران [در هر کجای دنیا] صحبت می‌کنید، مغز متفکر پشت آن قاسم سلیمانی است و آن کسی این مداخله را رهبری می‌کند هم قاسم سلیمانی است.» و نیز راوی مستند می‌گوید: «اکثر مردم هرگز درباره او چیزی نشنیده‌اند، اما او ده‌ها سال است که از پشت پرده، نخ‌های [عروسک گردانی در] خاورمیانه را می‌کشد.» دیوید پترائوس «فرمانده پیشین سنتکام در مستند بی بی سی درباره مواجهه با قاسم سلیمانی اذعان می‌کند: «ما قاسم سلیمانی را یک انسان بسیار توانمند، کاریزماتیک، ماهر، از نظر حرفه‌ای شایسته و... [از دیدگاه آمریکایی] اهریمنی شرور دیدیم رسانه‌های غربی القاب مختلفی به شهید سلیمانی دادند؛ «فرماندهی در سایه»، «قدرتمندترین عامل بازطراحی خاورمیانه‌ی جدید»، «کابوس اسرائیل»، «مغز متفکر نظامی ایران»، «دشمن شایسته»، «فرمانده‌ای قابل احترام»، «مردی که همه جا هست»، «دشمنی تحسین برانگیز» و «شوالیه‌ی سفید»، «رهبر مطمئن و باثبات»، «یک استراتژیست محاسبه‌گر» و «عمل‌گرایی زیرک» بخشی از عنوان‌هایی است که رسانه‌ها و شخصیت‌های نظامی و سیاسی غربی پیش از ترور ایشان به شهید سلیمانی داده‌اند.<sup>۲</sup>

مایکل نایت<sup>۳</sup> معتقد است: می‌خواهم به یک شخصیت محوری اشاره کنم که بر بسیاری از تحولات منطقه و پروسه‌های لازم برای حمایت از شبه نظامیان سوار است. قاسم سلیمانی! او فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران است.»

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی ۹۹/۹/۲۶

۲. کدام رسانه‌ها و چگونه به سردار سلیمانی خیانت کردند؟ حوزه نیوز

۳. کارشناس امنیتی و نظامی موسسه تحقیقاتی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک



کد اختصاصی: ۹۹۲۰۱-۷۱۸۹۳

#### ۲-۴- بحران در غرب آسیا

در فرهنگنامه علوم سیاسی در تعریف بحران آمده است: « وضعیت متزلزل و ناپایداری که چارچوب آن، تغییر لطعی بهتر یا بدتر در شرف وقوع است؛ به وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان حرکتی سیستم یا نظام. لحظه حساس در بحران، لحظه ای است که بحران به اوج خود میرسد و سرنوشت ساز است. بحرانها نمودی از برخورد بین المللی عقاید و ارزشهای عام هستند و از برخورد منافع متعارض مبتنی بر قدرت و افزایش کنشهای متقابل و افزایش تحریک هیا دروندادها و بروندادهای غیرمنتظره ناشی می شوند. خاورمیانه- یا بطور دقیق تر منطقه غرب آسیا - یکی از بحران خیزترین مناطق جهان است که همواره دستخوش منازعات، مداخلات و درگیری های فراوان بوده است. این منطقه به دلیل موقعیت مساعد استراتژیک، محل مداخله قدرت های بزرگ و کانون بحران های فراگیر می باشد. مرتبط بودن با آب های آزاد، موقعیت استراتژیک و در دسترس خشکیها، شاهراه ترانزیتی و وجود ذخایر زیرزمینی (معدنی و نفتی و...)، حضور قدرتهایی مانند روسیه و ایران در منطقه، وجود اسرائیل و عربستان و...، از جمله عواملی است که نظر قدرتهای بزرگ را برای دستیابی به منافع ارزان و در دسترس به این منطقه جلب نموده است. از یک سو بحران های امنیتی متعدد ناشی از اهمیت ژئوپلیتیک منطقه و ژئواکونومی ناشی از ثروتها و منابع طبیعی فراوان منطقه و ژئوکالچر بعنوان مهد ادیان ابراهیمی و وجود سرزمینهای مقدس ابعاد پیچیده ای را به منطقه داده است، که باعث توجه قدرتهای بزرگ فرا منطقه ای به این کانون شده است. از سوی دیگر اختلافات قومی و قبیله ای، حضور نیروهای خارجی در منطقه، تفرقه افکنی دشمنان و وجود ضعف مدیریت در کنترل بحران شرایط منطقه ای را به گونه ای بغرنج نموده که بحرانهای ایجاد شده براحتی قابل حل نمی باشد؛ لذا قاطعانه می توان گفت خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم همواره محل منازعه در جهان بوده است.

#### ۳-۴- ریشه های بحران در غرب آسیا

در ریشه یابی شکل گیری بحران خاورمیانه به عوامل متعددی را در نظر داشت: از اختلافات قومی و قبیله ای گرفته تا مشکلات اقتصادی و ضعف مدیریت ناشی از حل مشکلات و بحران ها؛ اما آنچه مهم است این است که عامل و مداخله خارجی از اهمیت نخست برخوردار بوده و عوامل داخلی در جامعه یهود، عرب و عثمانی جنبه فرعی داشته اند. به عبارت دیگر ریشه های بحران کنونی خاورمیانه را باید در کشمکش قدرت های رقیب استعماری و امپریالیستی اروپا و سپس آمریکا و تضاد میان منافع آنها جستجو کرد.<sup>۳</sup>

۱ مینو افشاری راد، علی اکبر آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، سال چاپ ۱۳۸۳ ص ۱۵۱

۲ بهرام مستقیمی در باب تعریف بحران در نظام بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ش ۳۳

۳ حمید محمدی، «ریشه های بحران در خاورمیانه»، ۱۳۷۷، ناشر: کیهان

برغم وجود منابع طبیعی در منطقه غرب آسیا و محوریت تمدنی - فرهنگی باعث اهمیت مضاعف این منطقه گردیده است و از یکسو انبیاء مختلف در این منطقه حضور داشته اند و از سوی دیگر شهرهای مقدس مسلمانان ، مسیحیان و یهودیان نیز در این منطقه واقع است اما از هنگامی که قدرتهای برتر بدنبال دستیابی به هارتلند به منطقه غرب آسیا توجه ویژه نموده اند؛ این منطقه همواره کانون نزاع و درگیری و کشمکش شده است تا جایی که تقریباً می توان گفت بعد از جنگ جهانی دوم و تشکیل رژیم صهیونیستی و سپس ورود امریکا به منطقه ، همواره این منطقه دستخوش درگیری ها و بحران های مختلف بوده است. لذا به اذعان مولف کتاب « ریشه های بحران در خاورمیانه » پس از ظهور و بروز صهیونیسم ، و حمایت آمریکا از اسرائیل از سال ۱۹۴۸ ، امریکا نیز اتحاد با صهیونیسم را برای حفظ منافع استراتژیک خود در آینده خاورمیانه ضروری دید. در این بخش از مقاله به بررسی ریشه های اصلی بحران غرب آسیا شامل «دخالت امریکا»، «رژیم صهیونیستی»، «تفرقه مذهبی و قومی» «انحطاط» و «حکومت های دست نشانده» می پردازیم:

#### ۴-۴- دخالت ایالات متحده در منطقه

امام خمینی (ره) آمریکا را «جنایتکار تاریخ»<sup>۱</sup>، «ام الفساد»<sup>۲</sup>، «شیطان بزرگ»<sup>۳</sup>، «جهان خوار» و «دشمن کینه توز مستضعفین جهان»<sup>۴</sup>، «دشمن شماره اول بشر»<sup>۵</sup>، «دشمن اسلام»<sup>۶</sup> و «چپاولگر بین المللی»<sup>۷</sup> می داند. ایشان برای دولت آمریکا حتی شرافت انسانی هم قائل نیستند.<sup>۸</sup> و اعتقاد دارند آمریکا با اصل عدالت و حقوق بشر مخالف است. و می گویند «آمریکا هر جا بتواند خودش دخالت می کند، هر جا نتواند ایادیش را می فرستد که لااقل نفاق بیاندازند بین مردم»<sup>۱۰</sup>

ایالات متحده را می توان به عنوان تنها کشوری به حساب آورد، که به واسطه برتری های مختلف و انگیزه های قوی خود می تواند نقش موثری را در مسایل سیاسی امنیتی و در زمینه بحرانها ایفا کند. نقش آمریکا در این منطقه از زمان جنگ سرد به بعد فوق العاده مهم شده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فضای امن تری را برای امریکا در جهت کنترل کشمکش های منطقه ای بر

- ۱ صحیفه امام ج ۱۶ص ۱۹۱
- ۲ صحیفه امام ج ۱۵ص ۴۳۷
- ۳ صحیفه امام ج ۱۰ص ۴۸۹
- ۴ صحیفه امام ج ۱۵ص ۱۷۱
- ۵ صحیفه امام ج ۱۰ص ۳۷۳
- ۶ صحیفه امام ج ۱۶ص ۳۹۳
- ۷ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۴۲۰
- ۸ صحیفه امام ج ۱۱ص ۳۰۳
- ۹ صحیفه امام ج ۱۱ص ۲۹۶
- ۱۰ صحیفه امام ج ۱۸ص ۱۲۵



مبنای مدیریت بحران فراهم آورده است. افزایش مداخلات آمریکا منجر به پیچیدگی مسایل امنیتی در خاورمیانه شده و این مداخلات نقش ژئوپلیتیکی موثری در سیاست جهانی دارد. آمریکا شیوه اشغال گری رویارویی را در جهت مدیریت بحران برگزیده است که این امر خود منجر به ناپایداری ها و درگیری های بیشتری در خاورمیانه شده است.<sup>۱</sup>

تشدید مداخله گرایی ایالات متحده آمریکا در امور جهان اسلام و منطقه جغرافیایی غرب آسیا و تمرکز ویژه مقامات ارشد امنیتی و سیاسی ایالات متحده (فارغ از دموکرات و جمهوریخواه) روی به عینیت رساندن طرح «خاورمیانه جدید» و متعاقبا «تجزیه منطقه» بیشتر اتاق های فکر و موسسات تحقیقاتی در آمریکا و اروپا را بر آن ساخته بود تا ضمن تئوریزه کردن مداخله گرایی واشنگتن و ارائه نوعی توجیه استراتژیک و راهبردی برای این مساله، موانع به فعلیت رسیدن این راهبرد را شناسایی و تشریح کنند. تاسیس گروه تروریستی- تکفیری داعش از سوی ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان غربی و عربی واشنگتن و تل آویو در سال ۲۰۱۳ میلادی، اتاق های فکر و موسسات تحقیقاتی غرب را نسبت به تحقق راهبرد کلان مقامات آمریکایی در منطقه غرب آسیا مطمئن ساخته بود. با این حال تشکیل جبهه مقاومت و متعاقبا شکست داعش پس از چهار سال کشمکش، رویای حامیان سیاسی، نظامی و تئوریک ایجاد دگردیسی مطلوب آمریکا در جهان اسلام را بر هم ریخت. از آن زمان، اتاق های فکر در غرب روی عامل اصلی شکست آمریکا در منطقه یعنی جبهه مقاومت تمرکز ویژه ای کردند. از همین روست همی که سردار قاسم سلیمانی به اصلی ترین نماد شکست غرب، رژیم صهیونیستی و آل سعود در منطقه تبدیل شد. هیلاری کلینتون نیز در دو مقطع ( در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز و بار دیگر و در جلسه استماع سنا ) بصورت روشن شرح می دهد که چرا و چگونه به بهانه مقابله با شوروی در افغانستان ، با همکاری دستگاه اطلاعاتی پاکستان ، اقدام به ایجاد هسته ی اولیه تروریست های اسلامگرایان وهابی و آموزش و تسلیح آن ها در افغانستان کردند<sup>۳</sup>

۱ عباس مصلی نژاد، مدیریت بحران آمریکا در مناطق ژئوپلیتیکی ، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک ، دوره ۳، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۶، صفحه ۹۸-۸۰

۲ زهرا ساختمانیان، روایت اتاق های فکر آمریکا و رژیم صهیونیستی از سردار سلیمانی فرمانده به روایت اندیشکده های غربی، روزنامه جام جم ۱۴ دی ۱۳۹۸

#### ۴-۵- رژیم صهیونیستی

امام خمینی (ره) در ارتباط با خطر اسرائیل می‌فرماید: «خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیکست.»<sup>۱</sup> امن به سران ممالک اسلامی و دوک عربی و غیر عربی اعلام می‌کنم: علمای اسلام و زعمای دین و ملت دیندار ایران و ارتش نجیب، با دول اسلامی برادر است و در منافع و مضار همدوش آنهاست؛ و از پیمان با اسرائیل، دشمن اسلام و دشمن ایران، متنفر و منزجر است.<sup>۲</sup>

بی‌بی‌سی اعتراف می‌کند که رژیم صهیونیستی پنجاه سال است ارتفاعات جولان در خاک سوریه را اشغال کرده است و این منطقه اکنون تبدیل به جبهه‌ای جدید میان این رژیم و ایران شده است: «قاسم سلیمانی از سوریه شروع به بررسی لایحه‌های دفاعی اسرائیل کرد.» رهبران آمریکا و کشورهای عربی از اهمیت مسئله‌ای به نام فلسطین در روابط بین‌الملل و همچنین میان مسلمانان آگاه هستند. از همین رو با وجود تلاش‌های کشورهای غربی، کشورهای عربی برای ورود به مسیر عادی سازی رابطه با اسرائیل محتاطانه برخورد کرده‌اند.<sup>۳</sup> مرکز مطالعات راهبردی بگین سادات در گزارشی به قلم دکتر مانفرد گرتستفلد از محققان این اندیشکده و رئیس سابق کمیته راهبری اندیشکده مرکز امور عمومی اورشلیم می‌نویسد: ده‌ها میلیون نفر از شهروندان اروپایی، دیدگاهی منفی نسبت به رژیم صهیونیستی دارند. این مسئله خود را به شیوه‌های مختلفی نشان می‌دهد که جدی‌ترین آن، مقایسه اقدامات رژیم صهیونیستی علیه فلسطین، با اقدامات نازی‌های آلمان است در دنیای امروز، رژیم صهیونیستی و یهودیان با یک نظریه جدید شناخته می‌شوند: اینکه رژیم صهیونیستی، کشور یهود، یک رژیم نازی است که قصد دارد فلسطینی‌ها را از صحنه روزگار حذف کند.<sup>۴</sup> چنانچه ذکر شد ریشه اساسی مسایل جاری منطقه در سیاست‌های غرب از سوی آمریکا، برای حفظ موجودیت و امنیت اسرائیل نهفته است.<sup>۵</sup> چهار حوزه مهم آسیب پذیر رژیم صهیونیستی که همیشه از درون عامل تهدید و چالش‌های فراوان بوده عبارتند از: ۱- فقدان عمق استراتژیک در مقابل حملات غافلگیرکننده -۲ ناتوانی در سازماندهی و بازسازی برای دفاع و مقابله با نیروهای دشمن -۳ در تیر رس بودن مراکز جمعیتی و اقتصادی آن -۴ ضعف سیاست بازدارندگی اسرائیل.

۱. جلد ۱ صحیفه ص ۱۸۶

۲. صحیفه امام ج ۱ ص ۱۹۸

۳. آیا «توافق ابراهیم»، ضمانتی برای صلح در خاورمیانه است؟ به نقل از <https://per.euronews.com>

[www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)

۵. امیر هوشنگ میرکوشش بهادر نوکنده سید حسین بابایی پهنه کلایی ، نقش آمریکا در بحران سوریه با تأکید بر مدل

مدیریت بحران مایکل برچر ، راهبرد سیاسی سال دوم زمستان ۱۳۹۷ شماره ۷

۶. محمد سالاری ، تهدیدات حیاتی در ژئوپلتیک اشغالی رژیم صهیونیستی عواملی که سبب می‌شوند اسرائیل همیشه نگران

باشد ، دیپلماسی ایرانی



#### ۴-۶- تفرقه مذهبی و قومی

یکی از بحران‌های بسیار مهم که هم اکنون در خاورمیانه وجود دارد بحران قومی در کشورهای چند قومیتی و بروز نوعی خاص گرایی قومی می‌باشد. این نوع، که گاهی خود را در اشکال ناسیونالیسم قومی و یا ملی‌گرایی باز تولید تحت تاثیر فرایند جهانی شدن در پی مطرح کردن هر چه بیشتر خود برای رسیدن به خواسته‌های سرکوب شده خود در دوران مدرنیته است. اختلافات عمیق قومی و مذهبی یکی دیگر از تهدیدهای غیرنظامی است که تمامیت ارضی و حتی مشروعیت رژیم‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. اختلافاتی قومی و دینی که از برخی اقدامات تفرقه افکنانه داخلی و سیاست‌های استعماری قدیم (انگلیس) نشأت گرفته و دامن زدن به آنها در عصر حاضر به نفع مسلمانان منطقه نبوده و آنها را به عکس العمل واداشته است

#### ۴-۷- انحطاط

در واقع جهان اسلام در دو قرن اخیر، شاهد یک بحران اساسی در درون خود بوده است. این بحران با شروع انحطاط امپراطوری عثمانی آغاز شده و با گذار از عصر دولت-ملت‌های اسلامی، وارد عصر پست مدرن شده و همچنان در حال بازتولید شدن است. این بحران از زمان فروپاشی عثمانی و ورود ایدئولوژی‌های غربی و ناهمخوان با بستر اجتماعی-فکری در جوامع اسلامی و با روی کار آمدن حاکمان بومی سکولار شکل جدیدی به خود گرفت. در واقع با فروپاشی عثمانی و با تجزیه قلمرو آن به دولت-ملت‌های گوناگون و تشدید استعمار انگلیس و فرانسه در خاورمیانه، این کشورها وارد دوره‌ای از رکود و سردرگمی ایدئولوژیک شدند بطور کلی بحران داخلی کشورهای اسلامی در قرن اخیر را می‌توان در ۶ بعد ملاحظه نمود:



۱- بحران هویت. ۲- بحران مشروعیت ۳- سوء حکومت نخبگان و فشار و سرکوب ۴- تضاد

طبقاتی ۵- ضعف نظامی شکست های

پی در پی نظامی اعراب از اسرائیل.

علاوه بر پنج عامل مذکور، اصلی

ترین عامل بحران فرهنگ، تاثیر

تخریبی نوگرایی در کشورهای

اسلامی عرب و سنی است. ورود

مدرنیته و اخذ مظاهر تکنیکی آن

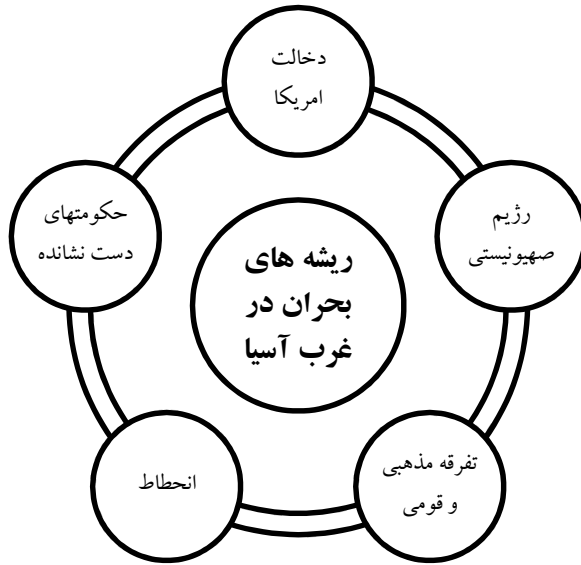
توسط مسلمانان، و با انگیزه دفاعی و

پیروی از غرب در رسیدن به قدرت

نظامی و تحول و توسعه اقتصادی،

کشمکش وسیعی را میان نوگرایان و

سنت گرایان بوجود آورد، چرا که



پدیده های جدید و مدرن، ارزش ها و فرهنگ های خاص خود را با خود به همراه می آورد. لذا

غربی شدن سطحی و ظاهری نخبگان سیاسی و اقتصادی، و نیز مصرف گرایی بی بند و بارانه و رفتار

غیر بومی، آنان را از پیروان فقیر و سنتی شان جدا می سازد و این مساله باعث بوجود آمدن شکاف

فرهنگی- سیاسی عظیمی در این جوامع شده است. لذا برخورد میان فرهنگ مهاجم غربی و سیستم

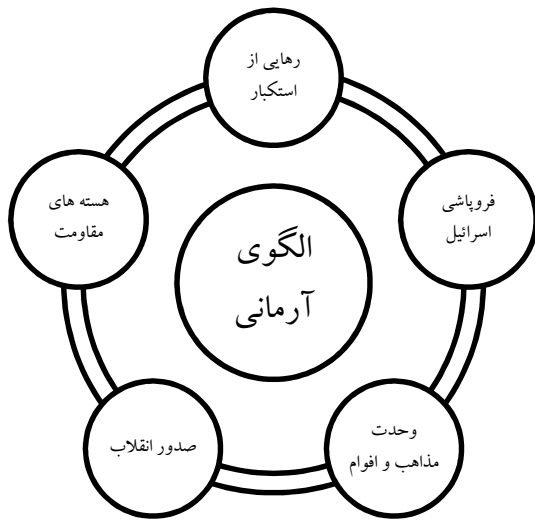
ارزشی بومی، در اذهان اعراب، نوعی جنون و احساس حقارت در برابر غرب ایجاد کرده است، و

این یعنی بحران فرهنگ!



#### ۸-۴- حکومت‌های دست نشانده

کشورهای عربی و شمال خاورمیانه از آغاز استقلال خود پس از جنگ جهانی دوم، تحت حکمرانی حکومت‌های دیکتاتور و اقتدارگرا بوده و تاریخ یکصد ساله آنها همواره با مشخصه بی‌ثباتی و اقتدارگرایی شناخته شده است. این کشورها تقریباً همگی استبدادی بوده و به نقش مردمی در کیفیت حکومت اهمیت داده نمی‌شود. لذا با دیکتاتوری عاملی مضاعف برای سرکوب مردم در سالیان اخیر بوده است. طی چند سال گذشته این کشورها خیزش‌های اجتماعی و سیاسی بی‌سابقه‌ای را پشت سر گذرانده‌اند به طوری که به درستی می‌توان این تحولات را نقطه عطفی در تاریخ این منطقه



به شمار آورد. این تحولات علاوه بر اینکه باعث سقوط سه دیکتاتوری (تونس، مصر، لیبی) شد، بیشتر کشورهای خاورمیانه را به ناامنی و آشفتگی دچار کرد. منظور حکومت‌های وابسته، وابستگی به غرب است که هم در روی کار آمدن و هم در تداوم مسیر در عوض اتکا به نیروی داخلی به قدرتهای بزرگ وابستگی داشته و عامل بی‌کفایتی سردمداران و نارضایتی مردم گردیده است. به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، با افول ائتلاف سازش در منطقه و رسیدن موج تغییرات به امیرنشین‌های حاشیه‌ی خلیج فارس، برخی کشورها به منظور منحرف ساختن روند تحولات، سیاست تفرقه در منطقه را در پیش گرفته‌اند که از جمله آن می‌توان به «توافق ابراهیم» و عادی سازی روابط اسرائیل با برخی کشورهای منطقه خلیج فارس اشاره نمود.

#### ۹-۴- بازسازی آرمانی

در این بخش از مقاله الگوی مطلوب حل بحران غرب آسیا ناظر بر ریشه‌های بحران در غرب آسیا و مبتنی بر اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی ارائه می‌گردد. انقلاب اسلامی در ۴۲ سال گذشته مبتنی بر راهبردهای امام خمینی رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری، تجربه مترابندی در حل منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای بدست آمده است با توجه به اندیشه امامین انقلاب و تجارب انقلاب اسلامی و ناظر بر بحران‌های پنجگانه فوق‌الذکر؛ «دخالت امریکا»، «رژیم صهیونیستی»، «تفرقه مذهبی و قومی» «انحطاط» و «حکومت‌های دست نشانده» الگوی مطلوب شامل پنج مولفه زیر قابل ارائه است



: «رهایی از استکبار»، «فروپاشی اسرائیل»، «وحدت مذاهب و اقوام»، «صدور انقلاب»، «تشکیل هسته های مقاومت»<sup>۱</sup>.

#### ۴-۱۰- رهایی از استکبار

امام خمینی آمریکا را دشمن شماره یک جهان اسلام و عامل اصلی تفرقه می داند و می گوید: «الآن در رأس همه مسائل اسلام این قضیه مواجهه با امریکا است.»<sup>۲</sup> در جای دیگر می گوید: «تمام گرفتاریهای مسلمین از امریکا است»<sup>۳</sup> همچنین ایشان می فرمایند: دنیا باید آمریکا را از بین ببرد و الا تا اینها هستند این مصیبت ها در دنیا هست.»<sup>۴</sup> «روز قدس» یک روز جهانی است روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است. روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، در مقابل ابرقدرتهاست. روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین، و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند. روز قدس روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف معلوم شود، باید ملت‌های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین. روز قدس روزی است که باید این دنباله‌روهای رژیم سابق در ایران، و آن توطئه‌چین‌های رژیم فاسد و ابرقدرتها در سایر جاها خصوصاً در لبنان، تکلیف خودشان را بدانند. روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم. روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم<sup>۶</sup>

همان طور که ذکر شد در ریشه یابی شکل گیری بحران خاورمیانه عامل و مداخله خارجی از اهمیت نخست برخوردار بوده است و این مسئله در سخنان سردار سلیمانی هویدا است:<sup>۷</sup> «آمریکا وقتی با ۱۱۰ هزار سرباز، هزاران دستگاه تانک و نفربر، امکانات نظامی، صدها فروند هواپیمای جنگی و هلیکوپترهای پیشرفته به طالبان به عنوان یک سازمان کم بنیه و با امکانات کم حمله کرد، نتوانست کاری از پیش ببرد، این کشور عروسی ها را تبدیل به عزا کرد و روستاها و شهرهای بسیاری را با خاک یکسان کرد اما در افغانستان هم شکست خورد». او خطاب به ترامپ گفت: «بیش از ۶۰ درصد از کشته های شما مردان عادی بودند، ۱۷ سال با ۱۱۰ هزار نیرو، دنیا را بسیج کردید، اما چه غلطی کردید؟» فرمانده سپاه قدس با بیان اینکه آمریکا وحشتناک ترین جنایاتی که در قرون وسطی انجام می شد را در عراق و افغانستان انجام داد، افزود: «حادثه زندان ابوغریب علی الابد ننگ شماس است. در

۱. رک «دیپلماسی امام خمینی»، علی سروش، نشر معارف، قم ص ۱۰۰-۱۲۰

۲. صحیفه امام ج ۱۱ ص ۱۱۸

۳. صحیفه امام ج ۱۰ ص ۳۹۲

۴. صحیفه امام ج ۱۷ ص ۸۴

۵. صحیفه امام ج ۹ ص ۲۷۴

۶. صحیفه امام ج ۹ ص ۲۷۶

۷. سخنرانی سردار سلیمانی، آرشیو روزنامه شرق شنبه ۶ مرداد ۱۳۹۷



جنگ ۳۳ روزه پشت رژیم صهیونیستی که کشوری قلابی است و مثل یک وزنه آویزان شماس است و شما را در منطقه غرق کرده است، ایستادید و در غزه جنایات مختلفی انجام دادید، اما چه غلطی توانستید بکنید؟ غیر از این است که همه شروط حزب الله در جنگ ۳۳ روزه و همه شروط حماس، جهاد و گروه های دیگر فلسطینی را پذیرفتید؟ «سردار سلیمانی ادامه داد: «شما یک جنگ با پشتوانه دو هزار میلیارد دلاری را در یمن به نتیجه نرساندید؟ یک سازمان در یمن در مقابل شماس ولی در مقابل پیشرفته ترین امکانات جنگی شما پیروز شده است، در این چهار سال چه چیزی را به دست آوردید؟ دریای سرخ که یک دریای امن بود را ناامن کردید، ریاض و عربستان که صد سال بود یک خمپاره در آن شلیک نشده بود امروز زیر آتش قرار دادید؛ امروز برای ما خط و نشان می کشید؟» نشریه مرکز مبارزه با تروریسم به نقل از صوفان می نویسد: «اگر یک نفر در موضعی باشد که بتواند تهدیدهای آشکاری را [علیه آمریکا] مطرح کند، آن یک نفر قاسم سلیمانی است؛ کسی که یک تحلیلگر آمریکایی، او را [به خاطر گم نام بودنش در غرب] «کارلا یعنی» (ابرجاسوس همه جا حاضر اما نامرئی شوروی در رمان جاسوس محور «جان لوکاره») می نامند. در حالی که اکثر آمریکایی ها و اروپایی ها ممکن است هرگز نام قاسم سلیمانی را نشنیده باشند، سرویس های اطلاعاتی آمریکا و اروپا احتمالاً آرزو می کنند ای کاش این نام را کم تر می شنیدند؛ اندیشکده بروکینگز در یادداشت بروس ریدل، عضو مرکز امنیت و اطلاعات قرن بیست و یکم، از تاثیر دفاع مقدس بر فرماندهان ایرانی می نویسد: سلیمانی و جانشین او یعنی اسماعیل قآنی حرفه خود را در دوران جنگ ایران-عراق و با سربازی در سپاه پاسداران شروع کردند و مشروعیت آنها به عنوان مدافعان ایران از این جنگ ریشه می گیرد. جنگ ایران و عراق، لحظه ای سرنوشت ساز در زندگی آنها بوده و دیدگاه آنها درباره منطقه و به ویژه ایالات متحده را شکل داده است.

#### ۴-۱۱- فروپاشی اسرائیل

امام خمینی ره می فرماید: می بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده- که اگر مسلمین مجتمع بودند، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند او را سیل می برد- مع ذلک در مقابل او زبون هستند. معما این است که با اینکه اینها را می دانند، چرا با علاج قطعی، که آن اتحاد و اتفاق است روی نمی آورند؟ چرا توطئه هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می برند، آنها توطئه ها را خنثی نمی کنند فریاد کرده ایم این غده سرطانی را اجتماع کنید و از بین



مسلمین بیرون کنید، بیت المقدس را از او بگیرید، کشورهای اسلامی را از این غده سرطانی آزاد کنید یا شما که اسرائیل را می خواهید با حیل‌هایی [به رسمیت] بشناسید و یک کشور در مقابل اسلام و هوادار یک همچو کشوری باشید که ظلمش بر همه جهانیان واضح است؟ و شما جرأت دارید در مقابل خدا ایستاده‌اید و دشمن خدا و دشمن سرسخت مسلمین را می خواهید سلطه به او بدهید و می خواهید آرامش به او بدهید و می خواهید بشناسید؟ شما اسرائیل را بشناسید، او شما را نمی شناسد. و شما ایستادید و نشستید تا اسرائیل بر همه شما - خدای نخواسته - حکومت کند.<sup>۹</sup>

اسرائیل از زمان تاسیس (۱۹۴۸) تا کنون با بحران امنیتی روبرو بوده و دغدغه بقاء داشته است. در بررسی ریشه‌ها و علل این بحران چهار دیدگاه وجود دارد. دیدگاه کلان سیستمی که محیط پر منازع بین المللی را عامل بحران امنیتی اسرائیل معرفی کرده است. دیدگاه رئالیستی که موقعیت ضعیف اسرائیل در موازنه قدرت منطقه‌ای را عامل بحران امنیتی اسرائیل دانسته است. دیدگاه ژئو استراتژیک که محدودیت‌های جغرافیایی را عامل بحران امنیتی اسرائیل خوانده است. دیدگاه منازعه منطقه‌ای که منازعه دائمی بین اسرائیل و همسایگانش را عامل بحران امنیتی اسرائیل به حساب آورده است. با توجه به این چهار دیدگاه اسرائیل چهار استراتژی برای غلبه بر بحران امنیتی در پیش گرفته که عبارتند از، استراتژی اتحاد با قدرت‌های بزرگ، استراتژی دسترسی به قدرت و توان برتر، استراتژی توسعه سرزمینی و ایجاد مناطق حائل، استراتژی صلح با همسایگان. گرچه این استراتژی‌ها با موفقیت به اجرا در آمده ولی هدف اسرائیل را که غلبه بر عوامل ایجاد کننده بحران امنیتی و دسترسی به وضعیت عاری از تهدید بوده، تحقق نبخشیده است. علت این امر این است که فرآیند دولت سازی اسرائیل فرآیندی منحصر به فرد و متفاوت با فرآیند شکل گیری دیگر دولتهاست. زمانی که بنیانگذاران اسرائیل تصمیم به تاسیس دولت گرفتند هیچ یک از عناصر سازنده دولت (جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت) را در اختیار نداشتند. از این رو دولت اسرائیل ماهیتی مصنوعی و تحمیلی دارد. مصنوعی و تحمیلی بودن اسرائیل علت اصلی بحران امنیتی این دولت بوده است.<sup>۱۰</sup>

#### ۴-۱۲- وحدت مذاهب و اقوام

امام خمینی (ره) میفرماید: حربه بزرگ را- که اعتصام به «جبل‌الله» و متفرق نشدن است- حفظ کنید این وحدت را. حفظ کنید این اعتصام به «جبل‌الله» و اعتصام به اسلام را، اسلام برای شما همه چیز هست. سعادت دنیا، سعادت آخرت، اسلام همه چیز است برای شما

۹ صحیفه امام ج ۱۶ ص ۳۷

۱۰ بحران امنیتی دائمی اسرائیل و پیامدهای آن [پایان نامه] حاکم قاسمی؛ استاد راهنما سعیده لطفیان؛ اساتید مشاور حمید

احمدی، الهه کولایی



وحدت جهان اسلام اصلی ترین محور مقابله با انباشته شدن بحران ها در خاورمیانه است. فضای ایجادشده در منطقه به ویژه «احیاء اسلام سیاسی» و «افزایش نقش مردم در روند سیاست گذاری کشورها» این فرصت را در اختیار نخبگان سیاسی مسلمان قرار داده تا با اتخاذ «دیپلماسی وحدت اسلامی» نظام سیاسی-امنیتی جدیدی را بر مبنای «امنیت دسته جمعی» و با تأکید بر «هویت اسلامی مشترک» برای منطقه‌ی خاورمیانه ترسیم کنند. مبنای این سیستم همکاری بوده و بر تقویت مؤلفه‌های مشترک و کاهش تدریجی مؤلفه‌های اختلاف‌زا تأکید دارد. این سیستم ضمن آن که باعث کاهش حضور قدرت‌های خارجی در منطقه و تغییر کارکرد آنان از میلیتاریزه کردن منطقه به تقویت سیستم همکاری‌های منطقه‌ای می‌گردد، می‌تواند عدم توسعه را نیز برطرف کند که یکی از اصلی ترین دلایل ناامنی است. در عین حال، سیستم همکاری منطقه‌ای و امنیت دسته جمعی، مکانیسم مناسبی برای مبارزه با تروریسم و ریشه‌های آن خواهد بود. باید فرصتی را که به دنبال بیداری اسلامی در منطقه و احیای اسلام سیاسی ایجاد شده است، غنیمت شمرد. افراط‌گرایی مذهبی و تأکید بر اختلاف شیعه و سنی و بی‌توجهی به روند رشد اختلافات طایفه‌ای و مذهبی باعث ازدست رفتن این فرصت است!.

#### ۴-۱۳- صدور انقلاب

امام خمینی ره در جلد ۱۷ ص ۴۸۰ می‌فرماید: «ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید.»

مفهوم صدور انقلاب به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سیاست نه شرقی نه غربی در ارتباط استقلال و آزادی از هرگونه وابستگی به نفوذ قدرت‌های بزرگ است؛ صدور انقلاب خودمتمضمّن نوعی راهبرد است که عامل تشکیل حکومت‌هایی آزاداندیش و فارغ از هرگونه وابستگی می‌باشد چنانچه تعالیم دینی نیز در قاعده نفی سبیل این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است. در مقدمه‌ی قانون اساسی چنین می‌خوانیم: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه‌ی تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، بویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (ان‌هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. ...نه تنها سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه



گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود و اعدوا ما استطعتم من قوه و من روابط الخیل ترهون به عدو الله و عدو کم و آخرین... منهم»

#### ۴-۱۴- تشکیل هسته های مقاومت در سراسر جهان

امام خمینی (ره) همچنان ضمن تاکید خطر صهیونیسم جهانی، ملت آزاده جهان را به تشکیل هسته های مقاومت در سراسر جهان دعوت می کند: «مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملت‌های اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد- صلی الله علیه و آله و سلم- و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمین‌های غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سال‌های گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم»<sup>۱۲</sup>

از دیدگاه کارشناسان آمریکایی اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک»، نفوذ گسترده منطقه‌ای و استفاده از نیروهای نیابتی، دو اهرم مهم اعمال قدرت ایران در مقابل آمریکا را تشکیل می‌دهند که منافع استراتژیک کاخ سفید در غرب آسیا (خاورمیانه) از جمله در عراق و سوریه و یمن را تهدید می‌کنند.

گزارش شورای آتلانتیک «درک عوامل مؤثر بر سیاست‌های منطقه‌ای ایران» را برای کاخ سفیدی که می‌خواهد با سیاست‌های منطقه‌ای ایران مقابله کند، حیاتی می‌داند و معتقد است ۵ عامل «میراث امپراتوری»، «اسلام شیعی»، «مبارزه با امپریالیسم»، «سیاست‌های داخلی»، و «پارانویا و امنیت حکومت» در تقویت نقش ایران تأثیرگذار هستند.

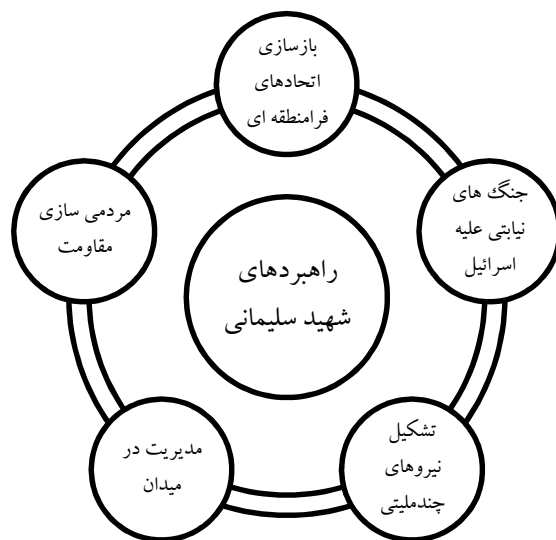
مالونی در توضیح تأثیر «میراث امپراتوری» و تاریخ ایران بر سیاست‌های منطقه‌ای تهران طی دهه‌های گذشته، می‌نویسد: «صرف نظر از این که چه حکومتی در ایران روی کار است، این کشور به دنبال ایفای نقشی برجسته در غرب آسیا (خاورمیانه) خواهد بود». وی برای اثبات این ادعای خود اشاره‌ای به تاریخ کشور گشایی‌های پادشاهان ایرانی می‌کند و توضیح می‌دهد که حکومت‌های معاصر در ایران، از جمله حکومت پهلوی، با توسل به همین میراث امپراتوری کشورشان و معرفی ایران به عنوان وارث تمدن بزرگ و امپراتوری باستانی پارسی، دیدگاه «تسلط ذاتی ایران» بر منطقه را تقویت کرده‌اند. به عقیده کارشناس اندیشکده بروکینگز: «ایران معتقد است ظرفیت‌های تاریخی،



فرهنگی و حتی اخلاقی [و معنوی] لازم برای شکل دادن به منطقه‌ای را دارد که زمانی امپراتوری‌های پاریسی بر آن حکومت می‌کرده‌اند. تفکر استراتژیک ایران از همین «غرور قدرت» الهام می‌گیرد و اعتقاد به نوعی «هژمونی مقدر» (مخصوصاً نسبت به همسایگان) را در این کشور رقم زده است. در ادامه گزارش می‌خوانیم: «به این ترتیب، جمهوری اسلامی خود را به عنوان منبع الهام و الگویی برای جهان اسلام معرفی کرد. [آیت‌الله] خمینی (ره) نیز پیروان خود را به انتشار پیام انقلاب اسلامی در مناطق فراتر از ایران تشویق و اعلام کرد که این انقلاب برای یک هدف اسلامی صورت گرفته است و نه صرفاً برای ایران، بلکه ایران تنها نقطه شروع این انقلاب بوده است.» مالونی در گزارش خود با عنوان «ریشه‌ها و تحول استراتژی منطقه‌ای ایران»، بخشی از تأثیر دین بر سیاست خارجی ایران را به خاطر وجود «شبکه‌ها و نهادهای مذهبی» می‌داند که برقراری ارتباط میان ایران و ملت‌های منطقه را تسهیل کرده‌اند. وی این تأثیر را با تأثیر مساجد و مراسم‌های عزاداری در ایران بر بسیج نیروهای انقلابی مقایسه می‌کند و نفوذ عمیق ایران در لبنان، عراق و سوریه را نیز تحت تأثیر روابط دینی میان ملت‌های این کشورها می‌داند.

نویسنده گزارش، حتی تعمیر و بازسازی حرم‌های سوریه را نیز اقدامی برای «نشان دادن حضور واضح ایران» در این کشور توصیف می‌کند و معتقد است آغاز مجدد سفر ایرانی‌ها به شهرهای نجف و کربلا بعد از سرنگونی صدام در سال ۲۰۰۳ نیز اقدامی در راستای تعمیق همین روابط دینی با هدف گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران بوده است. بی‌بی‌سی بار دیگر موضوع «تبدیل دشمن به متحد» را پی می‌گیرد و با اشاره به پیوستن آمریکا و انگلیس به مبارزه علیه داعش بعد از کمک‌های ایران، می‌نویسد این دو کشور «این بار خود را همان طرف ایران و قاسم سلیمانی دیدند.» مک کریستال،

فرمانده سابق عملیات‌های ویژه آمریکا در عراق، در این باره می‌گوید: «با ظهور یک پدیده شرور و شیطانی به نام داعش، اکنون سلیمانی نقش شوالیه سفید را در مقابل آن پیدا کرده بود. سپاهیان همچنین این شانس را داشتند که پس از اشغال عراق از سوی غرب، این کشور را از یک دشمن به یک متحد تبدیل کنند.»





ژنرال سلیمانی در ایجاد شبکه گروه‌های شیعه‌ای که با اشغال عراق و سپس با داعش مبارزه می‌کردند نقش مهمی ایفا کرد و به نظر می‌رسد که اکنون دوباره به جنگ آمریکایی‌ها آمده است. گاردین معتقد است: «سلیمانی حتی در بین عراقی‌هایی که احساس می‌کردند ایران در امور آنها دخالت می‌کند، محبوب بود؛ چرا که خودشان دیده بودند چطور شهید قاسم سلیمانی به دفاع از جنوب در برابر داعش پرداخت و چگونه در اربیل با مقادیر عظیمی سلاح ظاهر شد تا بتواند از کردها دفاع کند.» فارین پالیسی معتقد است: او (سردار سلیمانی) در عراق «حشد الشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» (قوات دفاع وطنی) را شکل داد و با درخواست رسمی دولت‌های سوریه و عراق و کمک، هدایت و مشاوره نیروهایش، طی ۶ سال، به طور مؤثری هرگونه پیشرفت داعش و سایر گروههای شورشی را متوقف کرد.

#### ۴-۱۵- راهبردهای حل بحران در غرب آسیا

استراتژیستی چون قاسم سلیمانی توانست در بازسازی آرمانهای انقلاب اسلامی بسیار موفق باشد. موفقیت‌های زیاد او در عرصه‌های نبرد - و قرار گرفتن او در وضعیت به اصطلاح ژنرال پیروز - باعث شد شهید سلیمانی از «فرماندهی در سایه» به شخصیتی همچون ستاره‌ی یک برنامه‌ی زنده و پربیننده‌ی تلویزیونی تغییر وضعیت بدهد<sup>۱۴</sup>

در این بخش سعی می‌شود ناظر بر ریشه‌یابی مسائل و بحران‌های پنجگانه مطرح در مقاله و همچنین مبتنی بر الگوی مطلوب ارائه شده مبتنی بر اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی الگوی حل بحران‌های غرب آسیا مبتنی بر اندیشه و تجربه شهید سلیمانی ارائه گردد.

در بررسی‌های انجام شده پیرامون استراتژی‌های سردار سلیمانی در حل منازعات منطقه آسیا؛ پنج استراتژی اساسی را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به ریشه‌های بحران و نیز بازسازی آرمانی راهبردهای سردار سلیمانی از منظر اندیشکده‌های آمریکایی و انگلیسی استخراج شده است:

الف- راهبرد بازسازی اتحاد‌های فرماندهی منطقه ای

ب- راهبرد جنگ‌های نیابتی علیه اسرائیل

ج- راهبرد تشکیل نیروهای چندملیتی

د- راهبرد مدیریت در میدان

ه- راهبرد مردمی سازی مقاومت



### الف- راهبرد بازسازی اتحادهای فرامنطقه ای

اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک به سخنرانی «مایکل نایت» کارشناس نظامی و امنیتی در زمینه ایران، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس اینگونه اشاره می‌کند: «ایران چهار دهه گذشته را وقف ایجاد اتحادهای بین‌المللی و تقویت متحدان نظامی خود و طیفی از شبه‌نظامیان تحت حمایت خود کرده است. من عادت ندارم حکومت ایران را ستایش کنم، اما بگذارید این را بگویم: آنها موقعیت فعلی‌شان را با حفظ تمرکز بر اهداف خود و چندین دهه سرمایه‌گذاری در این باره «به دست آورده‌اند.» نشریه مرکز مبارزه با تروریسم می‌نویسد: «اواسط سال ۲۰۱۵ در سوریه، همه چیز دقیقاً آن‌گونه که سلیمانی می‌خواست پیش نمی‌رفت. نیروهای اسد مدام دست به خیانت [و فرار] می‌زدند و بنابراین شبه‌نظامیان عراقی، افغانستانی و پاکستانی تحت حمایت ایران در مبارزه با شورشیان سنی برای کنترل بزرگ‌ترین شهر سوریه، یعنی حلب، تقریباً تنها مانده بودند. این نیروها نیاز به حمایت یک قدرت خارجی بزرگ‌تر داشتند؛ قدرتی که ظرفیت قدرتمندی در جنگ هوایی داشته باشد. طبیعتاً واسطه این معامله هم کسی نبود جز ژنرال شماره یک در صحنه نبرد: قاسم سلیمانی. ماه جولای سال ۲۰۱۵، سلیمانی برای گفت‌وگو با وزیر دفاع روسیه، و به گزارش برخی منابع، شخص پرزیدنت پوتین (ظاهراً سوار بر یک هواپیمای عمومی) به مسکو پرواز کرد. مداخله پوتین، ورق جنگ را به شکلی تعیین‌کننده به سود اسد برگرداند و ماه دسامبر سال ۲۰۱۶، چند روز پس از بازپس‌گیری حلب توسط نیروهای شبه‌نظامی سلیمانی و ارتش سوریه، تصاویری از او منتشر شد که نشان می‌داد دارد از بقایای قلب تاریخی شهر حلب دیدن می‌کند.

سلیمانی بود که برای اقناع روسیه و از بین بردن تردیدهای این کشور برای ورود مستقیم به جنگ سوریه مرداد ۱۳۹۴ ملاقاتی ۱۴۰ دقیقه‌ای با پوتین داشت، تا روسیه را برای ورود به جنگ سوریه تشویق کند، با این قول و قرار که نیروی زمینی را ایران و حزب‌الله تقویت خواهند کرد و روسیه پشتیبانی هوایی را به عهده بگیرد. یک ماه بعد روسیه وارد جنگ سوریه شد و حکومت اسد را که حالتی از تلوتلو خوردن پیدا کرده بود، به سوی تثبیت رانند.

### ب- راهبرد جنگ های نیابتی علیه اسرائیل

در ادامه گزارش مایکل نایت آمده است: «ارائه سلاح، کمک مالی، پشتیبانی مستشاری، مساعدت لجستیکی به نیروهای نیابتی و شبکه‌ای، یکی از روش‌های مستقیمی است که ایران به کمک آنها نفوذ خود را اعمال می‌کند. حضور سلاح‌های ایرانی در درگیری‌های مختلف (از سوریه گرفته تا عراق و یمن و فراتر از آن) علاوه بر نشان دادن ارتباط میان این کشور با طیفی از بازیگران منطقه‌ای، هم‌چنین می‌تواند به تهران امکان کنترل بر گروه‌هایی را بدهد که روابط خیلی ویژه‌ای هم با آنها





ندارد. استفاده ایران از روش‌های فوق در کشورهای سراسر منطقه خاورمیانه، نهایتاً به گسترش شبکه‌های فراملی‌ای کمک می‌کند که تهران برای تسهیل انتقال آموزش، دانش، و در برخی موارد، تجربه میدانی به گروه‌های نیابتی خود در کشورهای مختلف، به این شبکه‌ها تکیه دارد.

به ندرت اتفاق می‌افتد که منافع ایران کاملاً منطبق بر منافع نیروهای نیابتی‌اش باشد، اما این نیروهای نیابتی اغلب نه تنها به کمک نیاز دارند، بلکه مستأصل هستند و ایران تنها بازیگری است که یک پیشنهاد قابل اعتماد را به آن‌ها می‌دهد. دیدگاه اندیشکده آمریکایی «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک»، نفوذ گسترده منطقه‌ای و استفاده از نیروهای نیابتی، دو اهرم مهم اعمال قدرت ایران در مقابل آمریکا را تشکیل می‌دهند که منافع استراتژیک کاخ سفید در غرب آسیا (خاورمیانه) از جمله در عراق و سوریه و یمن را تهدید می‌کنند. رادیو فردا معتقد است: سپاه قدس نیرویی بود که در سال‌های جنگ ایران و عراق تشکیل شد تا به نیروهای عراقی در داخل خاک عراق ضربه بزند. اگر چه به نظر می‌رسد در سال‌های پیش از شروع جنگ، ایده جریانی همانند سپاه قدس با الگوگیری از جریاناتی چون نهضت آزادی بخش فلسطین در اندیشه و ذهنیت سران سپاه و جمهوری اسلامی بروز و ظهور داشت، اما شروع جنگ عملاً این فرصت را از ایران گرفت، اگر چه اندیشه صدور انقلاب با شعارهایی چون راه قدس از کربلا می‌گذرد، در فضای آن سال‌های جنگ طنین انداز بود. پس از جنگ اما این فرصت فراهم شد، و به همین دلیل اندیشه صدور انقلاب را در دستور کار قرار داد.

بی‌بی‌سی مدعی می‌شود: «سلیمانی اکنون نگاهش را متمرکز به هدف نهایی کرده است: متحد آمریکا، شیطان کوچک، اسرائیل.» دانی یاتوم، رئیس سابق سرویس امنیت موساد، در این باره می‌گوید: «او شروع به ساختن کوریدوری کرد که تهران را از طریق عراق به سواحل سوریه در دریای مدیترانه متصل کند. به این ترتیب می‌توانید سیستم‌های تسلیحاتی بسیار پیش‌تری را نسبت به استفاده از هواپیماهای باربری جابه‌جا کنید. به علاوه، این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا اسرائیل را محاصره کنند.» راوی مستند یادآور می‌شود: «قدس، نام عربی اورشلیم است. قاسم سلیمانی فرمانده «نیروی قدس» یا «نیروی اورشلیم» است. هدف آن‌ها چیست؟ آزادسازی شهر مقدس [بیت المقدس] و شکست دادن اسرائیل.» یاتوم ادامه می‌دهد: «مقامات ایرانی بارها خواستار محو اسرائیل از نقشه شده‌اند. مطمئناً ما این اجازه را نخواهیم داد.» بی‌بی‌سی با تکرار ادعاهای کشورهای غربی می‌گوید: «اسرائیل در شمال و جنوب با نیروهای نیابتی قاسم سلیمانی روبروست. او به شبه‌نظامیان فلسطینی سلاح داده و از آن‌ها در مبارزه طولانی‌شان با اشغالگری اسرائیل در کرانه باختری و غزه حمایت



کرده است. اسرائیلی‌ها می‌گویند در لبنان هم فناوری‌های ایران [مانند سیل] به سوی متحدش یعنی حزب‌الله جاری شده است،

نشریه مرکز مبارزه با تروریسم می‌نویسد: «سال ۲۰۰۶، در اوج خون‌ریزی‌ها در عراق، سلیمانی موقتاً مدیریت «عصائب اهل‌الحق» [از گروه‌های متحد با ایران در عراق] و گروه‌های وابسته به آن را کنار گذاشت تا نظارت بر یکی دیگر از گروه‌های نیابتی ایران، یعنی حزب‌الله، طی جنگ شدید این گروه با اسرائیل را به عهده بگیرد. طی مدت غیبت او در عراق، فرماندهان آمریکا در «منطقه سبز» [محل استقرار نیروهای ائتلاف آمریکایی در بغداد]، متوجه کاهش چشم‌گیر تلفات خود در سراسر عراق شدند. سلیمانی پس از بازگشت از لبنان، به فرماندهان آمریکایی نوشت: «امیدوارم از صلح و آرامش در بغداد لذت برده باشید. من در بیروت، مشغول بودم.»

از دیگر تاکتیک‌های سردار سلیمانی برای راهبرد نظامی در جنگ علیه داعش، توسعه توان نظامی نامتقارن است براساس گزارش موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، ایران توانسته تا با «توسعه توان نظامی نامتقارن» تاکتیک‌های تهاجمی دسته‌ای، استفاده از پهپادها و حملات سایبری، دوئل ژئوپلیتیک منطقه را برای افزایش نفوذ در خاورمیانه به سود خود رقم بزند. بخش اصلی این وظیفه نیز برعهده نیروهای سپاه قدس بوده است و این شاخه نظامی عملکرد موثری در گسترش حوزه عملیاتی ایران در منطقه داشته است. دفاع رو به جلو با اقدامات پیشگیرانه<sup>۱۸</sup> از دیگر اقدامات قاسم سلیمانی برای پیشبرد همین راهبرد بوده است؛ اسرائیلیها در جنگ‌های متعدد در کمتر از دو هفته به نتایج و اهداف خود رسیده بودند، اما در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به دلیل اقدامات دفاعی پیشگیرانه جبهه مقاومت که رهبری آن با حاج قاسم بود، نتوانستند غلبه کنند. در خصوص داعش سردار سلیمانی جنگ ترکیبی (نامتقارن) را طراحی نمود، در حالی که برخی کارشناسان بین‌المللی، توانایی انجام «جنگ ترکیبی» را صرفاً منحصر به آمریکا می‌دانند و معتقدند هیچ کشور دیگری در دنیا ابزار نظامی، دیپلماتیک و رسانه‌ای لازم برای به راه انداختن جنگ ترکیبی را ندارد، «داو زخیم» معاون وزیر دفاع دولت جورج بوش پسر و عضو کنونی هیأت‌مدیره شورای آتلانتیک، اعتراف می‌کند که ایران بیش از آمریکا در به‌کارگیری جنگ ترکیبی موفق بوده است. وی معتقد است: «بیش از همه این‌ها، ایران بوده که بر جنگ ترکیبی تکیه کرده است. در حقیقت عراق نیست اگر بگوییم که ایرانی‌ها با انجام عملیات‌های نامتقارن و بسیار موفقیت‌آمیز در سرتاسر منطقه از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹، عملاً جنگ ترکیبی را به کمال رسانده‌اند.» دکتترین جنگ

Defense Forward <sup>۱۷</sup>

Preemptive<sup>۱۸</sup>



نامتقارن ایران و استفاده تهران از روش‌های نامتعارف تقابل نظامی، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی آمریکاست، تا جایی که تحلیلگران آمریکایی معتقدند واشینگتن با استفاده از قدرت گسترده نظامی توانسته به ظرفیت بازدارندگی مقابل کشورهایمانند روسیه و چین دست پیدا کند، اما ایران از این قاعده مستثناست.

### ج- راهبرد تشکیل نیروهای چندملیتی

از ویژگی‌های راهبردی سردار سلیمانی رویکرد نوع دوستی و نگاه فراملیتی ایشان بود؛ «روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها مطرح نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت»؛<sup>۱۹</sup> لذا ایشان نه تنها در ارتباط گیری با دیگر ملیتی‌ها موفقیت‌های جدی بدست آورد، بلکه فراتر از آن موفق به تشکیل نیروهای چند ملیتی نیز شد.

اندیشکده شورای آتلانتیک معتقد است: «در حال حاضر، ایران در این جامپ‌بال نسبت به رقبای دیگرش در منطقه قد بلندتری دارد. امروز، نفوذ عمیق ایران در عراق، لبنان، سوریه و بحرین بی‌رقیب است. متحدان ایران در خط مقدم عرصه‌های سیاسی و امنیتی عراق و لبنان هستند. مداخله ایران در سوریه موجب جلوگیری از سقوط حکومت بشار اسد شده است. شبکه پیچیده سیاسی-مذهبی ایران در بحرین نفوذ مشهودی دارند. فراتر از جهان عرب، منافع و حضور جمهوری اسلامی تا افغانستان و بخش‌هایی از آفریقا و آمریکای لاتین کشیده شده است.»<sup>۲۰</sup> کارشناسان آمریکایی شورای آتلانتیک اعتراف می‌کنند: «ایران در محیط استراتژیک پرتلاطم و متغیر غرب آسیا (خاورمیانه) عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته است. این کشور امروز با تهدیدی جدی مبنی بر حمله یا تهاجم (و به طریق اولی، اشغال) توسط یک قدرت خارجی مواجه نیست. پس از آغاز جنگ داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱، سلیمانی به بخشی از شبه‌نظامیان عراقی خود دستور داد تا برای دفاع از حکومت اسد راهی سوریه شوند. به همین منظور، وی همچنین گروه‌های شبه‌نظامی شیعه جدیدی را نیز تأسیس کرد؛ از جمله این گروه‌ها، لشکر فاطمیون (متشکل از افغانستانی‌های ساکن ایران) و تیپ «زینیون» (متشکل از پاکستانی‌ها) بودند.

### د- راهبرد مدیریت در میدان

شهید سلیمانی به واسطه اخلاص و شجاعت ویژه‌ای که داشت نباید صرفاً به مثابه یک فرد دید بلکه او یک مکتب و مدرسه انسان ساز بود و هست؛ «سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز نگاه کنیم».<sup>۲۱</sup> بر همین اساس شاهدیم که راهبردی را در نیروی قدس

۱۹. مقام معظم رهبری ۹۹/۹/۲۶

۲۰. مقام معظم رهبری ۹۸/۱۰/۲۷



کد اختصاصی: ۹۹۲۰۱-۷۱۸۹۳

نهاده‌ی نه کرده بود که فرماندهان نه تنها در میدان حضور داشتند که در خط مقدم هم‌نشین رزمندگان از کشورهای مختلف بودند؛ «آن مردی که میرود جلوی دشمن و واهمه نمی‌کند و در همه‌ی میدانها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی‌توانست جلوی دشمن برود»<sup>۱</sup> و این اخلاص و شجاعت در میانه میدان تاثیر مستقیم تربیتی در صدور روحیه و منش انقلابی در میان رزمندگان کشورهای مختلف داشت.

مگوایر اذعان می‌کند: «آن آدم رده‌پایینی که ۲۵ سالش است و بدون جلیقه ضدگلوله دارد در یک گروه شبه‌نظامی می‌جنگد، چگونه ممکن است [انگیزه نگیرد] و عملکرد خوبی نداشته باشد وقتی می‌بیند رئیسش که هم‌سن پدر بزرگش است با یک پیراهن دارد در میدان جنگ و در میان شلیک گلوله‌ها قدم می‌زند. این کار یک پیام الهام‌بخش برای آن سرباز است که ترس در وجود این آدم وجود ندارد و ما هم باید همین گونه باشیم. من واقعاً اعتقاد دارم که افرادی مانند سلیمانی احساس می‌کنند دارند تقدیرشان را رقم می‌زنند و اگر هم کشته شدند، خب کشته شده‌اند. دیدگاه بسیار متفاوتی [نسبت به مثلاً ما آمریکایی‌ها] در این باره دارند و معتقدند که در حال انجام یک مأموریت [الهی] هستند» نشریه مرکز مبارزه با تروریسم در چکیده گزارش صوفان را این گونه می‌نویسد: «یکی از کلیدهای موفقیت ایران، اتخاذ یک استراتژی منحصربه‌فرد مبنی بر تلفیق قدرت شبه‌نظامی و قدرت دولتی بوده است. همه اذعان دارند که معمار برجسته این سیاست، سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده کهنه کار نیروی قدس [سپاه پاسداران] ایران است. بدون شک سلیمانی، امروز، قدرتمندترین ژنرال خاورمیانه است. این کشور توانسته با ترکیبی از سیاست‌های مختلف، از جمله، مانور ماهرانه دیپلماتیک، ایجاد اتحاد تاکتیکی با ولادیمیر پوتین و روسیه، و ارائه سلاح، مشاوره و پول به شبه‌نظامیان شیعه در کشورهای متعدد، به این موفقیت‌ها دست پیدا کند. تهران در این مورد اخیر [حمایت از متحدهای منطقه‌ای]، در اتخاذ استراتژی ظاهراً منحصربه‌فردی پیش‌گام شده که قدرت نیروهای شورشی را با قدرت نیروهای دولتی ترکیب کرده و یک مخلوط قدرتمند و مؤثر را ایجاد می‌کند. اتخاذ این استراتژی امروز در لبنان، سوریه، عراق و یمن مشهود است.

#### ه- راهبرد مردمی سازی مقاومت

شهید سلیمانی در مردمی سازی مقاومت نقش مؤثری داشت؛ «شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد»<sup>۲</sup>. بواسطه ارتباط و تاثیرگذاری که بر جریانه‌های مردمی منطقه داشت توانست این گفتمان را اجتماعی نماید، به عنوان مثال خدمات مؤثر و سازنده ایشان به ملت‌های

۲۱. مقام معظم رهبری. ۹۸/۱۰/۱۳.

۲۲. مقام معظم رهبری ۹۹/۹/۲۶.



منطقه یکی از مهم ترین روشهای ایشان در مردمی سازی مقاومت بشمار می رود و به همین راهبرد عامل بسیاری از شکست های امریکا و حل منازعات منطقه ای بود؛ «به کمک ملت های منطقه یا با کمک هایی که به ملت های منطقه کرد، توانست همی نقشه های نامشروع آمریکا در منطقه ی غرب آسیا را خنثی کند.»<sup>۲۳</sup>

شورای آتلانتیک در توضیح اولین اهرمی که برای نفوذ منطقه ای ایران قائل است، می نویسد: « ایجاد نیروهای نیابتی قوی» را شاید بتوان اصلی ترین اهرمی دانست که ایران به کمک آن، رقبای خود را به چالش می کشد و در عین حال وارد درگیری رسمی نظامی با آن ها نمی شود.» این اندیشکده آمریکایی البته گروه های متحد با ایران را به دو دسته «نیابتی» و «تحت کنترل» تقسیم می کند. نویسندگان گزارش تصریح می کنند: «ارزیابی این که کدام گروه ها نیروهای «نیابتی» هستند و کدام گروه ها توسط ایران «کنترل» می شوند، اغلب مطابق این معیار صورت می گیرد که کدام گروه ها «ولایت فقیه» را پذیرفته اند. پیروی از ولایت فقیه نشانه ای واضح از ارتباط عمیق با تهران است. گروه هایی مانند حزب الله لبنان، سازمان بدر، کتائب حزب الله، عصائب اهل الحق، و حرکه حزب الله النجباء در عراق، آشکارا از این عقیده تبعیت می کنند و تحت کنترل تهران قرار دارند.» ایران ورای ولایت فقیه، برای جلب حمایت وابستگان خود در کشورهای همسایه بر ایدئولوژی و نمادگرایی نیز تأکید می کند.

به عنوان مثال، تهران از ایدئولوژی «مقاومت مقابل اهداف سیاستی آمریکا» استفاده می کند و از این طریق حتی گروه هایی را که به ولایت فقیه اعتقادی ندارند را با خود همراه می کند. یکی دیگر از انگیزه های ارتباط میان ایران و گروه های نیابتی اش می تواند جلوه های نمادین، مانند احترامی باشد که این گروه ها برای آیت الله خمینی، آیت الله خامنه ای، یا سید حسن نصرالله قائل هستند.» آنچه که امروز از آن با عنوان جنگ نیابتی یاد می شود، تربیت نیروهای بومی در عراق، یمن، لبنان و سوریه را باید محصول نگاه ویژه سپاه قدس دانست. نگاهی که حتی طراحی و ساماندهی راهپیمایی میلیونی مراسم اربعین را نیز باید حاصل فعالیت های آنها به شمار آورد.<sup>۲۴</sup>



## ۵- جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله ابتدا ریشه های پنجگانه بحران در غرب آسیا شامل؛ «دخالت امریکا در منطقه»، «نقش مخرب رژیم صهیونیستی در منطقه»، «تفرقه افکنی مذهبی و قومی در منطقه»، «انحطاط داخلی کشورهای منطقه» و «حکومت های دست نشانده در منطقه» تبیین گردید و در گام بعد الگوی مطلوب و آرمانی حل بحرانهای غرب آسیا مبتنی بر اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی شامل؛ «رهایی منطقه از استکبار»، «فروپاشی اسرائیل»، «وحدت اقوام و مذاهب منطقه»، «صدور انقلاب به کشورهای منطقه» و «تشکیل هسته های مقاومت در منطقه» تبیین گردید. و در نهایت ناظر بر ریشه های پنجگانه بحران در غرب آسیا، و مبتنی بر الگوی پنج مولفه ای مطلوب اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی، راهبرد های منحصر بفرد شهید سلیمانی در حل هر یک از ریشه های بحران غرب آسیا ارائه گردید، که این راهبردها عبارتند از: «بازسازی اتحادهای فرامنطقه ای»، «جنگ های نیابتی علیه اسرائیل»، «تشکیل نیروهای چندملیتی»، «مدیریت در میدان» و «مردمی سازی مقاومت».





### ۶- منابع:

#### کتاب:

آقابخش، علی اکبر، افشاری راد، مینو، ۱۳۸۳، فرهنگ علوم سیاسی، ناشر: چاپار اسپرینگز، توماس، ۱۳۷۰، فهم نظریه سیاسی، رجایی، فرهنگ، تهران، آگه امام خمینی، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)

حقیقت، سید صادق، حجازی، سیدحامد، نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران اسپرینگز در مطالعات سیاسی، علوم سیاسی، باقرالعلوم بهار ۱۳۸۹ شماره ۴۹،

زارعان، احمد، بررسی ریشه ها و ویژگی های مشترک بحران های خاورمیانه با تاکید بر بحران سوریه و عراق، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم شماره ۱ (پیاپی ۶۱، بهار ۱۳۹۴) (۴۲-۵)

سروش، علی، ۱۳۹۶، دیپلماسی امام خمینی، قم، نشر معارف

سیفی ناجی، افسانه، جمشیدی محمدحسین و اسلامی، محسن، « بررسی و تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل پژوهشی برچر»، دوفصلنامه، جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۰ - شماره پیاپی ۱۰ بهار و تابستان ۱۳۹۶ صفحه ۶۱-۲۵

عزتی، عزت و احمدی، جمال، تحلیل فضایی بحران قومیت ها در خاورمیانه، جغرافیای انسانی سال دوم بهار ۱۳۸۹ شماره ۲

قادری کنگاوری، روح الله، « نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه ای»، فصلنامه آفاق امنیت، مقاله ۱، دوره ۱۱، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۳۷-۵

کریم خانی، احد، بررسی نقش آمریکا در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت و پژوهشهای دفاعی دوره ۱۵، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۵

محمدی، حمید، ۱۳۷۷، ریشه های بحران در خاورمیانه، ناشر: کیهان

مستقیم، بهرام، ۱۳۷۳، در باب تعریف بحران در نظام بین المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ش ۳۳

مصلی نژاد، عباس، مدیریت بحران آمریکا در مناطق ژئوپلیتیکی، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، دوره ۳، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۶

میرکوشش، امیر هوشنگ، نوکنده، بهادر بابایی پهنه کلایی، سید حسین، نقش آمریکا در بحران سوریه با تأکید بر مدل مدیریت بحران مایکل برچر، راهبرد سیاسی، سال دوم زمستان ۱۳۹۷ شماره ۷

پایان نامه:

قاسمی، حاکم، بحران امنیتی دائمی اسرائیل و پیامدهای آن [پایان نامه]، راهنما: لطفیان سعیده، ۱۳۸۰، دکترای علوم سیاسی

#### سایت:

خامنه ای، سیدعلی، سایت Khamenei.ir

ساختمانیان، زهرا، روایت اتاق های فکر آمریکا و رژیم صهیونیستی از سردار سلیمانی فرمانده به روایت

اندیشکده های غربی، روزنامه جام جم، ۱۴ دی ۱۳۹۸ <http://www.magiran.com>

نادری، احمد ، بحران در خاورمیانه و خیزش های ضد سیستم؛ از دموکراسی خواهی تا اسلام سیاسی ، انسان شناسی

و فرهنگ <https://anthropology.ir>

سالاری، محمد ، تهدیدات حیاتی در ژئوپلیتیک اشغالی رژیم صهیونیستی عواملی که سبب می شوند اسرائیل همیشه

نگران باشد. <http://irdiplomacy.ir/fa/news>

قاسم سلیمانی ما کیست؟ شش محور استراتژی ضدایرانی ترامپ؛ [/https://www.mashreghnews.ir](https://www.mashreghnews.ir)

کدام رسانه ها و چگونه به سردار سلیمانی خیانت کردند؟ <https://www.hawzahnews.com>

### منابع انگلیسی

Knights Michael . Flow Lafer: How to contain and roll back Iranian-backed militias..The Washington Institute for near East Policy. SUBCOMMITTEE ON TERRORISM, NONPROLIFERATION, AND TRADE OF THE COMMITTEE ON FOREIGN AFFAIRS.HOUSE OF REPRESENTATIVES.FIRST SESSION. OCTOBER 4, 2017

Katzman Kenneth .Iran's Foreign and Defense Policies. Updated April 9, 2020 . Congressional Research . Specialist in Middle Eastern Affairs Updated January 30, 2020

Iran's Networks of Influence in the Middle East . November 2019 . November 2019 Publisher: IISS, Chapter1 Pages: 11-38 .

Walid Al Nofal . Iran's post-Soleimani strategy in Syria (January 14, 2020 <https://syriadirect.org>

Ostovar Afshon . Edelston Rebecca • Connell. Michael .On Shifting Sands: Iranian Strategy in aChanging Middle East . <https://www.semanticscholar.org>

